

مطالعه

در

لایحه استقلال کانون و کلا

لایحه قبلی استقلال کانون و کلا و بقایای قانونهای سابق و کالت و آیین نامه های مربوط از جهات متعدد و مختلف هم آهنگک بسا ترقیات چشم گیر کشور نبوده و متناسب با انقلاب و جهشی نیست که درلوا و تحت رهبری شاهنشاه آریامهر در کلیه شئون اداری و اجتماعی ما محسوس است و بعلاوه این قوانین و آیین نامه ها چنانکه باید ، نهضامن شخصیت و موقعیت محترم و مستقل و کیل بوده ، نه در جهت تأمین کامل و ایجاد رابطه سالم بین و کیل و مشتری کافی بمنظور و مقصود غایی و نهایی از دخالت و کیل در امور دعاوی می باشد . و از همه مهمتر آنکه نسبت بوظیفه اصلی و کیل که هدایت و ارشاد مردم و بخصوص اشخاص حقوقی بقانونی ساختن روابط خود با یکدیگر بمنظور اجتناب از ایجاد اختلاف بعدی است ، قوانین فعلی ساکت مانده است . علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چون بدون تردید برای وصول بقایت آمال در امر عدالت علاوه بر وجود قاضی و و کیل خوب محتاج بداشتن قوانینی مترقی و منظم است ، تجدید نظر در قوانین مربوط بوکالت و و کلای دادگستری چه از ناحیه جناب وزیردادگستری و چه از طرف هیئت مدیره کانون و کلا مورد توجه قرار گرفت و اینک مدتی است که هیئت مدیره عده ای از و کلای دادگستری را مأمور مطالعه و تنظیم مقرراتی بنام لایحه استقلال کانون و کلا نموده است تا نواقص عدیده مقررات فعلی را رفع و باتسليم آن به وزارت دادگستری و هیئت دولت مسیر قانونی خود را طی نموده بصورت قانون کاملی جایگزین مصوبات سابق گردد .

این عده یا کمیسیون یا کمیته مأمور تهیه لایحه از نظرات تعداد زیادی

از وکلای دادگستری که حقاً و بجا علاقه وافری نسبت باین امر مبذول داشته‌اند، و با توجه بنظرات کانونهای دیگر و مراجعہ بقوانین و مقررات متداول در کشورهای دیگر و با رعایت موقعیت مخصوص قضایی و اجتماعی کشور و با الهام گرفتن از منویات شاهنشاه آریامهر که در درجه اول بامر تسهیل دسترسی مردم به دستگاه عدالت در ثانی کوشش درختی المقدور اجتناب از ایجاد دعاوی و اختلاف است، با کمال جدیت مشغول کار و امیدوار است که بزودی بتواند نظریات خود را تسلیم هیئت مدیره کانون و کلا بنماید.

آنچه نگارنده را واداشت که تحت عنوان مطالعه در لایحه استقلال کانون و کلا بدرج این مقاله مبادرت ورزد، تنظیم و ارائه نظرانی بود که چون متفق علیه تمام وکلای دادگستری است و البته در لایحه پیشنهادی بوزارت دادگستری رعایت شده است، حق دانست که قبلاً در معرض مطالعه دولت و نمایندگان مجلسین قرار گیرد تا با اطلاع از آن هم بهتر بدارک موارد اختلاف آن با قوانین فعلی واقف گشته و هم با توجه بآن اصول و بجا و مناسب بودن مبانی مورد نظر در امر تصویب آن بکمک دستگاه عدالت و وکالت و مردم اقدام فرمایند:

۱

وکیل دادگستری مقدم بر هر امری میل دارد و باید استقلال داشته باشد. این استقلال که لازمه شغل وکالت است، در کشورهای مختلف یکسان بدست نیامده است و گرچه امروز کشور مترقی پیدا نمی‌شود که قایل باین حق و امتیاز برای وکیل دادگستری نباشد، ولی در طول تاریخ همیشه و بخصوص تا وقتی که حکومت دموکراسی بوجود نیامده بود، وکیل با قدرت فصاحت و بلاغتی که داشت، فرد مزاحمی شناخته می‌شد که بنظر می‌آمد، دادن استقلال باو طبعاً ملازمه با اظهار مطالب و بیاناتی دارد که خوش آیند حکومت دیکتاتوری نخواهد بود.

بهر حال و قطع نظر از جنبه تاریخی استقلال وکیل هیچگاه بمعنای انحراف او از مقررات و قوانین، یا خدای نخواستہ بی احترامی نسبت بقضات و متصدیان مسئول امور و یا ایجاد بی نظمی و اختلال در اجتماع و یا بطور کلی تولید هر چه و مرج یا وقفه در رسیدگی های قضایی و اختلافات اداری و مسایل اجتماعی و سیاسی نمی‌باشد

که وکیل بموجب قسمی که خورده حتی تا رعایت حرمت اصحاب دعوی نیز خود را مقید بآن می نماید.

مراد از استقلال وکیل آزادی در قبول وکالت، آزادی در انتخاب نحوه کار موکل، آزادی در برگزیدن اسنادی که موکل باو تسلیم نموده در حین کار و استفاده از اسراری که باو گفته شده بتشخیص خود و برای مصلحت موکل، آزادی او در تنظیم لوایح و تقریر بیانات با استفاده از قوانین و نظامات، آزادی در ملاقات با موکلین زندانی و مکاتبه با آنها بدون هیچگونه نظارت یا سانسور، آزادی در استعفا از وکالت موکل و از همه مهمتر استقلال در امور مربوط به کانون و انتخابات و بودجه آن و بالاخص در تعقیب و مجازات انتظامی وکیل متخلف طبق موازین قانونی بوسیله خود وکلا و منحصرأ از طریق مراجع بکانون وکلا می باشد. با این وصف مواردی نظیر مواد ۲۱ لایحه فعلی استقلال، ۱۰۲ آیین دادرسی کیفری و ۱۰۵ قانون اصلاحی محاکمه جنایی و تذکر مندرج در ماده ۲۴ آن قانون هنگام تشکیل جلسه محاکمه و نظایر آن زاید بوده و بخصوص در کلیه مواردی که رسیدگی بتخلفات وکیل یا اعضای هیئت مدیره بعهده دادگاه عالی انتظامی قضات محول شده است، با احترام فراوانی که بحق کلیه وکلا نسبت باین مرجع عالی می گذارند، باید وکلا را از تبعیت از این مقام خارج ساخت و دادگاه تجدید نظر انتظامی مخصوصی برای وکلا در نظر گرفت که اعضای آنرا خود وکلا با رأی انفرادی تعیین نمایند و شرایط عضویت آنرا طوری قرار دهند که از حیث سن و سابقه و شهرت احکام آنان بهمان درجه اعتبار و مقام احکام دادگاه عالی انتظامی قضات شناخته شود.

۲

وکیل که می خواهد از ثمرات استقلال کامل بهره ببرد، طبعاً باید از **جهات اخلاقی** خواه در امور شخصی خواه در امور وکالتی بخصوص در روابط با قاضی و مراجع اداری و بالاخص در رابطه باموکل بقدری منزه و پاک و باصطلاح عالی شان باشد که نتوان کمترین ایرادی که شأن و حیثیت وکالت را لکه دار سازد، متوجه او

نمود. لازمه حفظ این حیثیت طبعاً دور ساختن دست‌کسانی از جامعه وکالت است که احیاناً بشرافت حرفه‌ای مقید نباشند یا منافع مادی خود را بر اعتلای‌شان خود و شئون وکالت مقدم بدانند.

برای احترام از چنین پیش‌آمد ناگوار و برای جلوگیری از تأثیر فراوان و مضر و خطرناک رفتار عده قلیل انگشت شمار و کلای ناصالح در سرنوشت حیثیت و شرافت جامعه وکالت بهترین طریق تشدید مجازات متخلفین و تعقیب جدی و بدون‌گذشت مقامات انتظامی و کلای پیش‌بینی شده است تا بهره‌برداری از استقلال توأم با تصفیه تدریجی و تکرانی از عقوبت تخلف این توفیق را نصیب جامعه وکالت نماید که بتواند در مقام شایسته خود قرار گیرد.

۳

بخلاف آنچه متأسفانه اخیراً و هنگام مذاکره در اطراف تبصره ۱۶ قانون متمم بودجه ۱۳۴۷ عنوان شد، صرف تحصیل ورقه لیسانس از دانشکده حقوق کافی برای احراز مقام وکالت نیست، چه قطع نظر از عدم کفایت علمی این مدرک که متأسفانه ارزش آن از این جهت روز بروز پایین‌تر آمده است، فرا گرفتن اصول و مبانی حقوق بدون آشنایی بهزاران رمز مخصوص وکالت که بجا تعبیر به هنر وکالت شده است، احتیاج بتمرین نزد وکیل سرپرست و تحت سرپرستی و هدایت او در پیشگاه محاکم و به اصطلاح کارآموزی وکالت دارد. و با آنکه شاید جوانان طالب وکالت ما از این بحث خورسند نگردند، بی‌پرده باید گفت که سپردن کار مردم بدست اشخاصی که جز مدرک علمی لیسانس چیزی ندارند، هم برای خود آنها، هم برای ارباب رجوع و هم برای دستگاه عدالت از هر سم مهلکی خطرناک‌تر است و حقیقتاً اگر داوطلبان جوان همان‌طور که از آنان مورد انتظار است، بخواهند در آتیه با نام و شهرت در کسوت وکالت دفاع از حقوق مردم را بعهده بگیرند، خود باید انصاف بدهند که قبول آنان پس از یک دوره کوتاه کارآموزی یکساله بخصوص در موقعی که کار وکالت در منتهای رکودست و وکلای با سابقه بیشتر بامور تخصصی و

مشورتی می‌پردازند، در زمره ودر ردیف همان سرپرستها دور از انصاف و منظور ایشانست . و بایستی تصدیق داشته باشند که اگر دو جوان با یکدیگر موفق باخذ لیسانس می‌شوند و یکی از آنها خدمت قضایی را قبول و دیگری دنبال وکالت می‌رود، اولی نتواند لااقل قبل از ۲۰ تا ۲۵ سال اشتغال در محاکم پایین تر بافتخار دادیاری یا مستشاری دیوان کشور نایل آید، صحیح نیست که بدومی اجازه داده شود که پس از یکسال کارآموزی ناقص تا عالی ترین مرجع قضایی کشور بتواند وکالت کند.

در نتیجه این حقیقت طولانی ساختن دوره کارآموزی و تقسیم وکلایاقل پایه ۱ و ۲ ضروری بنظر می‌رسد. و چون کم بود وکیل در شهرستانها بی اندازه محسوس بوده موجب کندی جریان امور در دادگستری است، بنظر می‌رسد که يك دوره اقامت چند ساله اجباری در خارج از مرکز استانها با در نظر گرفتن ضریب نمرات اختیار همانطور که در مورد آقایان پزشکان متداول است، برای ارتقا از پایه ۲ به ۱ و شاید يك اختبار مجدد ضروری باشد.

۴

موضوع جالب دیگری که مبتلا به عموم وکلای دادگستری است، قضیه هجوم بازنشستگان ادارات مختلف برای تحصیل پروانه وکالت باعتبار لیسانسی است که ۳۰ سال قبل از دانشکده حقوق دریافت داشته‌اند.

قطع نظر از آقایان قضات بازنشسته که وجودشان در جامعه وکالت باعث افتخار و رونق آنست، زیرا در تمام مدت خدمت ارتباط آنان با قانون و حقوق و وکیل قطع نشده و تجربیاتی که در طول آن بدست آورده‌اند، از هر جهت در شغل وکالت ارزنده است، سایر بازنشستگان اعم از کشوری و لشکری ۲۰ تا ۳۰ سال فارغ از هرگونه مطالعه حقوق در حدودی که برای يك نفر وکیل دادگستری ضروری است، بوده و سن زیاد ایشان که معمولاً بالاتر از ۵۰ سال است، بآنان مجال نخواهد داد که با گذراندن دوره کارآموزی بتوانند از جهت عملی وکیل شایسته گردند، چه اصولاً فلسفه بازنشستگی جز در موارد نادر استثنایی، یعنی خودداری

از کار بعلت کهولت و توجه بیشتر بلزوم استراحت و جلوگیری از جنگ اعصاب است و حال آنکه وکالت فی حد ذاته یکنوع مبارزه مستمر بین حق و باطل هر روز بنام چندموکل و از طرف آنها، ولی بقیمت صرف اعصاب و کیل است که بشهادت کلیه پزشکان در آمار مبتلایان بسرطان و اولسر ردیف اول را اشغال نموده اند. عدم قدرت و توانایی جسمی، قطع ارتباط سی ساله با اصول و موازین حقوقی، اعتیاد بمطالعه امور از دیند یک فرد اداری یا افسر نظامی، نبودن وقت کافی برای اندوختن و تجربیات ضروری وکالت جهاتی است که ایجاب می نماید از وجود این آقایان بنفع عموم در بین وکلا استفاده نشود، بخصوص که از نظر مادی هم تا اندازه ای بی نیاز می باشند و این بی نیازی توأم با ارتباط نزدیکی که با اداره محل خدمت سی ساله خود دارند که اغلب منجر بقبول امور حقوقی آن اداره و یا طرفیت با آن می گردد، راه پیشرفت و تحصیل مشتری را بر جوانان تا اندازه قابل توجهی مسدود می نماید. باعتبار این اعتراضات موجه جز در مورد آقایان قضات قابل شدن به حد اکثر سن برای ورود به جامعه وکالت قابل توجه و ضروری بنظر می رسد.

از نظر رهبری و مدیریت کانون علاقه اغلب وکلا همانطور که در انتخابات دوره فعلی هم تجلی نمود، بر این است که اعضای هیئت مدیره و ریاست کانون نتوانند متوالیاً و برای ادوار متعدد انتخاب گردند و دلایلی بر رد یا قبول این نظر موجودست که جای طرح و بحث آن در این مقاله نیست، لیکن چون نظر اکثریت وکلا محترم است، در لایحه تحت مطالعه از طرفی دوره هیئت مدیره را از ۲ سال به ۴ سال بالا برده، و از جانبی انتخاب بعضویت هیئت مدیره را محدود به دو دوره متوالی نموده اند و افتخار احراز مقام ریاست کانون را هم محدود بیک دوره در نظر گرفته اند.

بدیهی است که جا دارد همانطور که در اغلب کشورهای راقی متداول است، از وجود و نظریات رؤسای سابق کانون بعنوان عضو افتخاری هیئت های مدیره بعدی استفاده گردد.

سپردن کار مردم بدست غیر وکیل خواه منظور کمک بمأمورین لیسانسیه دولت باشد، خواه بعلمت کمبود وکیل در بعضی نقاط و تراکم پرونده‌ها و خواه بهر علت وجهت دیگر، صحیح یا ناصحیح بنظر اکثر وکلای دادگستری و بانصاف هر کس که طالب حسن جریان امور در محاکم عمومی و اختصاصی و هیئتها و کمیسیونهای مختلف و متعددی که طبق قوانین در خارج از دادگستری مأمور رسیدگی بامور مالی یا ملکی افرادی می‌باشند و باقتضای لزوم تأمین عدالت برای همه در کشوری که متأسفانه هنوز تعداد اشخاصی که بحقوق خود واقف نیستند، بسیار وعده‌کسانی که بنام کارچاق-کن در راهروهای دادگستری و محل تشکیل آن کمیسیونها و هیئتها دنبال شکار ساده می‌گردند، بی‌شمارست، دور از منطق عدالت و قضاوت می‌باشد. **لزوم سپردن کلیه دعاوی و اختلافات مردم بدست وکیل و الزامی ساختن این مراجعه** بقدری واضح و روشن است که امروز در اغلب کشورهای جهان، بخصوص بارغبتی که دولتها و مقننین بخارج ساختن امور از سلطه محاکم قضایی و ارجاع آن بکمیسیونها و هیئتهای اداری نشان می‌دهند که اتفاقاً آرای این قبیل مراجع را بیشتر یکدرجه و قطعی تلقی می‌نمایند، در قوانین خود بآن توجه داشته و کار بجایی رسیده است که حتی در امور خلافی کم اهمیت مثل تخلف از مقررات رانندگی نیز وکیل از حق‌راندنده باید دفاع نماید.

ثبت شرکتهای تجاری و ثبت علایم و اختراعات بوسیله وکیل و وجود وکیل مشاور در شرکتهای و ادارات حتی در بعضی از کشورها مثل انگلستان، لزوم دخالت وکیل در امر تنظیم اسناد رسمی معمولی از قبیل اجاره‌نامه و غیره، بزرگترین و بالاترین تأمین است که قانونگذار برای افراد کشور پیش‌بینی نموده و بهترین وسیله برای احقاق حق و فصل خصومت شناخته شده است که چون متأسفانه در کشور ما تازه در قانون تجارت پیشنهادی بمجلسین داده و اخیراً ضمن قانون اصلاح بعضی از مواد آیین دادرسی مدنی ماده‌ای بآن اختصاص داده شده که اولی هنوز بمرحله تصویب نرسیده و دومی هنوز دستور اجرای آن حتی برای تهران که بقدر کافی وکیل دارد، از طرف وزارت دادگستری صادر نشده، سهل است، با

پیشنهاد تبصره ۱۶ قانون متمم بودجه پایی در جهت مخالف آن فکر برداشته شده- است و شرکت کنندگان در تهیه لایحه استقلال را بر آن داشته است که باین نکته توجه کافی بنمایند و لااقل الزامی ساختن رجوع بوکیل را در محاکم عمومی و اختصاصی پیش بینی کرده اجازه اجرای آن در هیئتها و کمیسیونها را بتشخیص مناسب وزارت دادگستری منحول نمایند.

بدیهی است کانون و کلاهم بنوبه خود باید در رفع محذور وزارت دادگستری و مردم از جهت کمبود وکیل در بعضی از شهرستانها و بخشها مجدانه با وزارت همکاری نموده باپخش وکلای جوان در آن نقاط و استمداد موقت از کارگشایان در بخشها در جبران این کمبود جبران نماید .

۷

تجدید نظر در **برنامه دانشکده حقوق** که از نظر علمی حایز کمال اهمیت برای وکلای دادگستری است و البته جای بحث آن در لایحه استقلال کانون نیست، بقدری درخور اهمیت است که حتی در کنگره های بین المللی و کلا در معرض مباحثه و مذاکره و اظهار نظر وکلای دنیا گذاشته شده است . بخصوص اتحادیه بین المللی وکلای در کنگره ای که چهار سال قبل در شهر آر نم هلند تشکیل داد، پس از جلسات طولانی باین نتیجه رسید که امروزه فایده آشنایی بعلم حسابداری و دفتر برای يك نفر قاضی یا وکیل بمراتب بیشتر از مثلاً گذراندن امتحان تاریخ حقوق است. حقاً اولیای دولت و دانشگاهها بایستی باین موضوع توجه فرمایند که **انشعاب حقوق** برشته های مختلف که بر اثر ترقیات صنعتی و اقتصادی کشور ها ایجاد شده - است، ایجاب می نماید که با تجدید نظر در برنامه دانشکده حقوق توجه فی المثل بلزوم تدریس حقوق دریایی، حقوق هوایی، بیمه، حسابداری و حسابرسی صنعتی و تجارتي، شرکتهای تجارتي، مدنی خارجی، زبان خارجی و امثال آن، حذف مواد زاید یا لااقل غیر متناسب با احتیاجات امروزی قاضی ووکیل و فشار بر تمرین عملی دانشجویان رشته قضایی در کلاسها و در محاکم و با رعایت اقتباس قسمت اعظم

قواعد و قوانین اصولی ما از فقه اسلام، کوشش در بالا بردن سطح معلومات دانشجویان در این قسمت دانشکده‌های حقوق و وظیفه اولی و اصلی تربیت وکیل و قاضی را طوری ایفا نمایند که مثل امروز و با کمال تأسف مشاهده نشود که لیسانسیه‌های امتیاز دار دانشکده حتی نتوانند موادی از قانون مدنی را خوانده و تعریف نمایند یا در نوشته خود دچار غلط‌های فاحش تحریری گردند.

امید می‌رود با علاقه و افری که جناب آقای وزیر دادگستری با اجرای نظرات و اوامر و دستورات مؤکد شاهنشاه آریامهر در تأمین هر چه بیشتر و بهتر عدالت قضایی دارند، با توجه با اصول بالا و مبانی دیگری که قطعاً با ملاحظه و ملاحظه لایحه پیشنهادی کانون وکلا بآن برخورد خواهند فرمود، با مجاهدت در تصویب قطعی آن خدمت شایسته‌ای را که ارباب دعاوی و قضات و وکلا ایشان را شایسته آن می‌دانند، بدستگاه عدالت بفرمایند و نام نیکی را که بجا تحصیل نموده‌اند، بحق پایدار سازند.

